

• احمد علی فرزین، استاد
معماری دانشگاه تهران



بدون تردید رویکرد اول از طریق توسعه یا ایجاد پهنه‌های سبز و بکارگیری و حفظ عناصر طبیعی و کارکردهای متنوع تفریحی- تفرجی یا حتی

آموزشی که نتیجه همه‌جانبه و پاسخگوی این بخش از نیازهای شهر باشد از ضروریات است. اما رویکرد دوم، توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی و حضور پایدار طبیعت در شهر و نقش این عناصر در ذهن و زندگی مردم را ضروری می‌داند. کاربست طبیعت در شهر لازم است ولی کافی نیست زیرا عناصر طبیعی بخشی از آن چیزی است که خاطره فردی یا جمعی را شکل می‌دهد. دلبستگی به فضاهای شهری یا هر زیست‌بوم انسانی دیگر، در پیوند با رویدادهایی است که همراه با گذر زمان و در ظرفی از مکان رخ داده باشد. این ظرف مکان حامل پیام، همان باقی‌مانده‌هایی است که هنوز تکیه‌گاه خاطره‌ها و آخرین عناصر هویت‌بخش شهر است و ویرانی آن، ویرانی خاطره‌ها و تهی شدن شهر از اصالت‌های طبیعی، تاریخی، فرهنگی و از دست دادن همه آن چیزی است که هویت نام دارد.

اما آنچه باید باشد و نیست! مشارکت فکری مردم و تأثیر و نقش افکار عمومی در تصمیماتی است که کاربرهای نهایی آن نه بخش خصوصی و مدیران، بلکه عموم مردم و جامعه هستند. همانگونه که از پایان متن سؤال پیداست، مردم هیچگونه حضور یا نقشی ندارند، مدیریت شهری، بیشتر با اهداف و منافع سیاسی؛ سرمایه‌داران، با ماهیت سرمایه‌داری در پی سود بیشتر و حرفه‌مندان در این کشاکش با موفقیت کمتر نقش بسزایی در اتخاذ این رویکرد دارند.

• Ahmad Ali Farzin, Professor of Architecture, University of Tehran

Undeniably, the first approach is essential through the development and use of green zones or use and utilization of natural elements or diverse leisure-recreational functions or even instructional functions that is the overall result and meets the requirements of this part of the city. Nevertheless, the second approach considers the historical and social conditions more essential and requires a stable presence of nature in the city and lives and minds of people. Utilizing nature in the city is necessary but not sufficient because it plays a part in shaping individual and collective memories. Affiliation to urban spaces or any other human habitat is in connection with incidents that have occurred in terms of time and place. This incident of time that contains a message is the remnant which implies the memories of developing the identity of the city and destroying it will destroy the memories and erase natural, historical, cultural origins and identity.

But what should be done and it is not done! is the intellectual contribution and public influence public on decisions that affect the public and society and not the administrators or the private sector. As the text suggests, people do not have any presence of any or no role. Urban management, with political interests and objectives; the investors, in search for beneficial profits and professionals in this conflict are less successful and do not have any influence in this approach.

طبیعت را چگونه به شهر وارد کنیم؟ ساختاری یا سرانه‌ای؟

برای تقویت حضور و نقش طبیعت در شهر دو رویکرد اصلی شناخته شده است :

اول : افزایش سرانه فضای سبز از طریق ایجاد پهنه‌های وسیع و بزرگ‌مقیاس در محدوده شهرها و حومه آنها را ضروری می‌داند. این نواحی غالباً در خارج از محدوده زندگی روزانه مردم قرار می‌گیرد و در آنها معضلاتی همچون ایجاد فضاهای بی دفاع به وجود می‌آید.

دوم : توسعه براساس ساختارهای طبیعی شهرها را شرط می‌داند. تقویت عناصر طبیعی شهر، حتی در مقیاس خرد، به تقویت حضور پایدار طبیعت در شهر می‌انجامد. این رویکرد توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی و نقش این عناصر در ذهن و زندگی مردم را در برنامه‌ریزی‌های محیط و منظر ضروری می‌شناسد.

مجله «منظر»، به سفارش «سازمان زیباسازی شهر تهران» موضوع «زیبا سازی با طبیعت» را مورد بررسی قرار داده است. در این راستا مجله، نظر متخصصان حوزه‌های مختلف را درباره دو رویکرد توسعه طبیعت در شهر جویا شد. در ادامه سؤال از پاسخ‌دهندگان خواسته شد در صورتی که رویکرد دوم را صحیح می‌نگرند، به این سؤال پاسخ دهند چرا مدیریت شهر تهران رویکرد نخست را برگزیده است و نقش سه بخش مدیریت شهری، حرفه‌مندان و سرمایه‌داران مولد پروژه‌ها در انتخاب این رویکرد را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

• مهدی چمران، رئیس
شورای اسلامی شهر تهران



در شهرها چه بزرگ و چه کوچک، اتخاذ هر دو رویکرد ضروری است. به ویژه در شهرهای بزرگ تأکید بر فضاهای سبز بزرگ ضروری

است و در مقیاس خرد نیز بایستی از حذف یک درخت سبز و فضای کوچک همانند باغچه جلوگیری و احتراز کرد. وجود هر دو نگرش یا روش در کنار هم مکمل یکدیگرند. به طور کلی فضاهای سبز در تمام مقیاس‌ها از شهر، فراشهر، منطقه، ناحیه و محله کاملاً ضروری است و هیچ یک را نمی‌توان حذف کرد.

• Mehdi Chamran, Chairman of the City Council of Tehran

It is necessary to adopt both approaches in either small or large cities. It is also essential to emphasize on green spaces especially in large cities and eliminating small green spaces or even a tree in a micro-scale level. These approaches complete each other and should be utilized together. Generally, green space is necessarily needed at every scale of city, megacity, region and district and none of them should be eliminated.

• **آرش زاهدان، مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور پژوهشگرانه نظر**



رویکرد اول به دلیل ایجاد معضلات متعددی از جمله به وجود آوردن فضاهای بی دفاع و ناامن، افزایش ترافیک شهر، امکان خدمات رسانی کمتر به مراجعین، دسترسی سخت و ایجاد انگیزه کمتر برای حضور اکثریت ساکنین شهر مردود است و به نظر می‌رسد گرایش مدیریت شهری به ایجاد فضاهایی از این دست به واسطه تأثیر کمی آنها در افزایش سرانه فضای سبز شهر است. در حالی که در عمل با مراجعه به تجربیات استفاده از این فضاها ملاحظه می‌شود مراجعین و مخاطبان اکثراً از بخش‌های لبه و کناره‌های این فضاها استفاده می‌کنند و بخش بزرگی در قسمت‌های میانی بدون مراجعه و بلااستفاده می‌ماند. بنابراین به لحاظ اقتصادی نیز با وجود صرف هزینه ساخت و نگهداری تقریباً یکسان در هر دو رویکرد، استفاده مخاطبان در رویکرد دوم بهینه‌تر است.

در مورد سه‌م سهم به بخش مورد سؤال، مسلماً سهم مدیریت شهری به واسطه دسترسی به منابع شهر از همه بیشتر است. مدیریت شهری می‌تواند با سیاست‌گذاری کلان رویکرد مورد نظر خود را در سیستم مدیریتی شهر جاری سازد و اکثریت متخصصین مجبور به حرکت در مسیر سیاست‌های کلی هستند و تزریق رویکردی خاص از سوی گروه متخصصین در شرایط کنونی نیازمند دسترسی و امکان ارتباط آنان با سطوح بالای مدیریت شهری است تا بتوانند مزایا و برتری‌های رویکرد دوم را به لحاظ کمی و کیفی برای آنان تشریح سازد.

• **Arash Zahedan, Director of Nrc Consulting Engineers**

The first approach is rejected due to various deficiencies such as existence of insecure and indefensible space, traffic increase, less possible services to clients, uneasy accessibility and less motivation for presence of citizens and it seems that management trends in urban areas have little impact due to the increase of the green space per capita in the city. While practically and based on obtained experiences, it is observed that people use the edges of these spaces and a great portion is remained useless in between. Therefore, the use of space in the second approach is more optimized than the first one despite the fact that the construction and maintenance expenditures are the same in both approaches.

Concerning three questioned parts, the share of urban management through accessibility to city resources is definitely more. Urban management can make the approving approach possible by investment its policies and the majority of professionals are to move in the direction of the overall policy and implying a specific approach by experts requires access to the current situation and possible association with high levels of urban management in order to describe the benefits and advantages of the second approach in quantitatively and qualitatively.

• **مهرداد زند، دکتری شهرسازی**



یافته‌های تحقیقات در خصوص ویژگی‌های فضای سبز در شهر حاکی از آن است که ایجاد مصنوع فضای سبز چه در قالب بوستان‌ها و پارک‌ها به صورت پراکنده در سطح شهر و در مقیاس محله‌ای و منطقه‌ای و چه به صورت پارک‌ها در مقیاس بسیار بزرگ با فضاهایی متنوع چون چیتگر، بوستان ولایت، پارک ملت و... به دلایلی چون کمبود امنیت، هزینه بالای نگهداری، قرار نگرفتن در مسیر زندگی روزمره شهروندان، تخریب مداوم توسط افراد جامعه‌ستیز و طبیعت‌ستیز، اجتماع گروه‌های ناسالم و آموزش برخی ناهنجاری‌ها به سایر گروه‌های اجتماعی، مزاحمت برای ساکنین بلافصل با سرو صدا و ترافیک از امتیاز کمتری نسبت به فضاهای طبیعی با فضاهای ارزشمند و ویژگی‌های خاص که در درون شهر و یا در فرایند تبدیل روستا به شهر و یا توسعه شهری قرار گرفته‌اند مانند درختان تنومند، آبراه‌ها، دره‌ها و رودها، باغ‌های مشجر و جنگل‌های دستکاش و... برخوردارند و این در حالی است که ساختارهای طبیعی با ارتقای سطح کیفی شهر و زندگی شهروندان، ایجاد آرامش و دید بصری مناسب با ایجاد دیواره‌های سبز و معماری سبز برای شهروندان، نفوذپذیری و عبور مناسب شهروندان از آن، حداقل هزینه ساخت و نگهداری با استفاده از سیستم‌های مناسب آب و خاک، نور، امنیت، مبلمان، آسایش و آرامش، حفظ نظرگاه‌ها، منظرها، رودرها و عوارض طبیعی مناسب و ارتباط روزانه شهروندان با طبیعت در کارکردهای روزانه از امتیاز بیشتر برخوردار شده‌اند که نتایج این تحقیقات خود بر لزوم توجه مدیریت شهری، حرفه‌مندان و سرمایه‌داران به حفظ و توسعه فضاهای سبز ارگانیک شهری که در امتداد بافت ارگانیک یا انسان‌ساخت شکل گرفته‌اند و همچنین باغ‌ها و فضاهای سبزی که در لابلای بافت‌های مسکونی قرار داشته و مورد تخریب و ساخت‌وساز قرار می‌گیرند در جهت افزایش سرانه فضای سبز شهری تأکید می‌ورزد.

• **Mehrdad Zhand, Ph.D in Urbanism**

Researches on characteristics of green spaces in the city shows that creating artificial or sophisticated green spaces in forms of parks and gardens scattered throughout the city either in neighborhood or regional scale or in bigger scales such as Chitgar, Velayat or Mellat gardens are considered less valuable than natural spaces with the characteristics found of city developments and the transition of villages to cities such as huge trees, waterways, valleys and rivers, wooded groves and planted forests. Mostly this comparison is made due to lack of security, high maintenance costs, their absence in daily lives of citizens, Damage sustained by social and natural contentious individuals, unsafe community groups and their abnormal teachings to other social groups and traffic noise nuisance to residents.

Correspondingly, natural structures have been considered more valuable in daily functions by enhancing the quality of the city and citizen lives, providing visual comfort and convenience for citizens with the help of green architecture, implementing permeability for citizens, minimum construction and maintenance expenditure by using proper land and water systems, lighting, security, furniture, comfort and peace, preserving views, perspectives, and natural terrain and river valleys and daily relationships of citizens with the nature. The results of this research are to enhance urban green space per capita obtained based on the consideration of urban management, professionals and financiers to maintain and develop urban green spaces along the organic or manmade emphasizes on formed structures as well as maintaining green spaces within residential structures which are being destroyed.

How to involve nature in the city? Structural or per capita?

There are two main approaches that have been identified in order to enhance the role of nature in the city:

First: It is essential to increase the green space per capita by creating wide large-scale green spaces within the city and suburban areas. These areas are often outside the range of daily life where problems such as defenseless spaces are occurred.

Second: Development based on natural structure of the city is necessary. Enhancement of natural elements, even in small-scale, will lead to enhancement of sustainable presence of nature in the city. This approach determines considering the social and historical conditions and their role in the minds and lives of people for landscape and environment planning an imperative.

"MANZAR" journal have interrogated "Beautification by Nature" under the commission of "Tehran city beautification organization". In this regard, this journal asked the experts of various fields about the two approaches of nature development in the city.

The respondents were asked further questions that if they consider the second approach the correct one, why the administration of Tehran city has chosen the first approach and how they assess the role of urban management, professionals and financiers in selecting these approaches.

•علیرضا قاسم خان، مستندساز

هنگامی که از موضوع حضور طبیعت در شهر سخن می‌گوییم، باید به یاد داشته باشیم که در حقیقت از انسان ساکن شهرها سخن می‌گوییم و این انسان است که قرار است در شهر با طبیعت مرادده داشته باشد.



به نظر می‌رسد که ما در این موضوع از انسان کلیتی در نظر داریم و آن بخش زیستی انسان است. اما باید اینجا به خاطر آورد که زیست آدمی در شهرهای امروزی کاملاً تحت تأثیر اندیشه اوست، اندیشه‌ای که در مواجهه با ارتباطات روزافزون و همه‌جانبه، اگر اغراق نباشد در هر لحظه تعریف و تصویری تازه از آدمی در هر نقطه از جهان ارائه می‌دهد. انسان ایرانی که هنوز نیم قرن نیست که طعم شهرنشینی را تجربه می‌کند در رابطه با طبیعت نمی‌تواند کاملاً از پیش تعیین شده باشد. انسان ایرانی شهرنشین شده (به تازگی) هم می‌بایست در لکه‌های غول‌آسای طبیعت سیر کند و هم از بافت طبیعی که در آن با خانه و زندگی ارتباطی نزدیک دارد استفاده کند. به نظرم آن حرکت زیست‌محیطی که ساکنان این شهر را به حفظ طبیعت از نظر شخصی ترغیب کند، اصولی‌تر و پایدارتر است زیرا که می‌بایست او خود را نزدیک و سهیم در حفظ آن بداند.

در سنت معماری و شهرسازی ایرانی نیز هر جا که بگوییم رابطه طبیعت با ساکنان شهر رابطه‌ای درهم تنیده و یکپارچه است، اساساً در فرمت ایرانی که تحت تأثیر جغرافیای ایرانی است، این رابطه‌ها براساس یک نگاه معنوی شکل گرفته است. در نهایت معتقدم که در کنار ایجاد پارک‌ها یا مناطق بزرگ طبیعی، ایجاد رابطه تنگاتنگ و نزدیک میان شهرنشینان و طبیعت بایستی به شکل دوم آن دقیق‌تر و عمیق‌تر صورت پذیرد.

•Alireza Ghasemkhan, Documentarist

When we speak of nature in the city, we should not forget that we talk about people who live in cities and these people are the ones who are supposed to be in relationship with nature.

It seems that we consider the biological aspect of human being in this study. However, human biological life is quite influenced by his thoughts in the city; a thought which offers a new definition and image of human life in every part of the world due to developing and comprehensive communication.

An Iranian who has just experienced the urban life for half a century cannot be fully predetermined. The (newly) urbanized Iranian should move among huge urban masses while benefiting from the nature and home with which he or she is sincerely feel connected. I think the environmental movement, which encourages residents to maintain nature personally is a more logical and sustainable movement because due to people's contribution.

In traditional Iranian architecture and urbanism the residents have an intertwined and integrated relationship with nature and since this format is essentially influenced by the geography of Iran, it is shaped based on a spiritual aspect. Finally, I believe that providing a close connection between urban people and nature together with creating large natural areas and parks should be made more accurately and more profoundly in the second form.

•علی اکبر نصرآبادی، هنرمند نقاش

حضور طبیعت در شهر و حفظ نقش آن

منظر در بطن طبیعت است و طبیعت فیلتر تنفس زندگی و حیات. اگر بپذیریم که جهان



هستی به خصوص این کره خاکی خانه‌ای است که توسط یگانه معمار یکتا قادر متعال طراحی و بدون نقص ایجاد شده و باور کنیم که دخل و تصرف در کالبد و منظر و طبیعت و عملکرد این خانه در صلاحیت ما نیست و صرفاً باید با آرامش در آن گذران عمر کرد، به نظر می‌رسد پاسخ خود را دریافت کرده‌ایم. همان‌گونه که هرگونه تغییراتی در عملکرد و کالبد و حتی منظر یک خانه مهندسی‌ساز که طبعاً زایدفکر یک معمار است جایز به نظر نمی‌آید و صرفاً با تزیینات متناسب با سلیق باید از آن بهره جست طبعاً به طور کلان برای هرگونه دست‌اندازی و طبیعت‌سازی ضروریست پانویسی از الگوها و ضوابط خلقت صورت پذیرد و نه چرک‌نویسی برای تحویل. پس هنر آنست که بدانیم برای تنفس نیاز به ریه داریم و بدانیم که طبیعت با تمامی خرد و کلانش فیلتر تنفس ماست و نیاز است هنرمندانه اشیانه‌ها را در کنار طبیعت بنا کرد، نه اینکه شهری بسازیم به دنبال طبیعت، برای تنفس در آن سرانه‌سازی کنیم.

•Ali Akbar Nasrabadi, Artist

Presence of Nature in the City and Preserving its Figure

Landscape is in the depth of nature which is the filter of life and respiration. Having accepted the fact that this planet is the home perfectly created and designed by the unique almighty architect and human beings have no jurisdiction to manipulate the physics, nature and function of landscape, it seems that we have received our responses.

Since any changes in the body or function or landscape of an engineered home which is naturally born out of an architect's mind does not seem appropriate and must be utilized by proper decorations, it is essential to the clarify the creation patterns and permissions to use them in our creations.

Therefore, we have to remind ourselves that we need our lungs to breathe and nature is a filter for our respirations. As a result, we need to build our homes in the nature, not to build a city in which we should consider capitulation for nature.